

نقش آموزش های ضمن خدمت در توسعه حرفه ای و افزایش اثربخشی کارکنان آموزش و پرورش

مژگان راهبریان یزد

فوق لیسانس مشاوره و راهنمایی



نقش آموزش های ضمن خدمت در توسعه حرفه ای و افزایش اثربخشی کارکنان آموزش و پرورش انجام شده است. این مقاله که به روش مروری-تحلیلی نگاشته شده، ضمن تبیین مبانی نظری و پیچیدگی های داخلی و خارجی، به تحلیل ابعاد مختلف تأثیر آموزش های ضمن خدمت بر شایستگی های حرفه ای معلمان می پردازد. یافته های پژوهش نشان می دهد که آموزش های ضمن خدمت زمانی کارآمد هستند که مستمر، بافت محور، مشارکتی و مبتنی بر نیازهای واقعی معلمان طراحی شوند. همچنین نتایج حاکی از آن است که این آموزش ها از طریق ارتقای دانش تخصصی، تقویت خودکارآمدی حرفه ای، بهبود نگرش های شغلی و افزایش توانایی های عملی، زمینه ساز توسعه حرفه ای پایدار و ارتقای اثربخشی فردی و سازمانی می شوند. با توجه به الزامات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نیاز به روزرسانی مداوم دانش معلمان، طراحی نظام مند برنامه های ضمن خدمت با بهره گیری از فناوری های نوین آموزشی، از ضرورت های اجتنابناپذیر نظام آموزشی کشور محسوب می شود.

DOI: 10.22666/0416
MNR-430-2-BFE34D

واژگان کلیدی: آموزش ضمن خدمت، توسعه حرفه ای، اثربخشی معلمان، توانمندسازی، یادگیری مستمر

۱. مقدمه

در عصر تحولات شتابان علمی و فناورانه، نظام های آموزشی با چالش های بی سابقه ای در زمینه تربیت نیروی انسانی کارآمد و توانمند مواجه هستند. در این میان، معلمان به عنوان محوری ترین عنصر نظام آموزشی، نقشی بی بدیل در کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری ایفا می کنند و هرگونه تحول بنیادین در عرصه تعلیم و تربیت، منوط به توانمندسازی و ارتقای شایستگی های حرفه ای آنان است. با توجه به این واقعیت که دانش معلمان در طول دوران خدمت، به دلیل تغییرات مستمر در روش های تدریس، محتوای درسی، ابزارهای فناورانه و نیازهای متنوع دانش آموزان، دچار فرسودگی و کهنگی می شود، ضرورت بازآموزی و به روزرسانی آنان از طریق برنامه های آموزش ضمن خدمت، بیش از پیش نمایان می گردد.

آموزش های ضمن خدمت به عنوان مجموعه ای از فعالیت های نظام یافته و برنامه ریزی شده، درصددند تا شایستگی های حرفه ای کارکنان را در طول دوران اشتغال، ارتقاء بخشند و آنان را با آخرین دستاوردهای علمی و روش های نوین آموزشی آشنا سازند. در نظام آموزش و پرورش ایران، این آموزش ها با عنایت به ضرورت های مندرج در سند تحول بنیادین و با هدف تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله، از جایگاه ویژه ای برخوردار شده اند. به گونه ای که گذراندن دوره های ضمن خدمت برای تمامی فرهنگیان به ویژه معلمان مشمول ماده ۲۸ قانون، به عنوان یک الزام جدی تلقی می گردد و سامانه یکپارچه مدیریت یادگیری (آلتی ام اس) به عنوان بستر رسمی برگزاری این دوره ها، امکان نظارت و ساماندهی به فرایند آموزش را فراهم ساخته است. توسعه حرفه ای معلمان مفهومی فراتر از صرفاً شرکت در دوره های



آموزشی است و به فرایندی پویا، مستمر و خودراهبر اطلاق می‌شود که طی آن معلمان، دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های خود را به‌گونه‌ای ارتقاء می‌دهند که بتوانند پاسخگوی نیازهای متغیر دانش‌آموزان و جامعه باشند. اثربخشی معلمان نیز که به توانایی آنان در ایجاد تغییرات مطلوب در یادگیری و رشد دانش‌آموزان اشاره دارد، ارتباطی تنگاتنگ با کیفیت توسعه حرفه‌ای آنان پیدا کرده است. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که معلمانی که به‌طور مستمر در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای شرکت می‌جویند، از خودکارآمدی بالاتری برخوردارند و نتایج یادگیری بهتری را برای دانش‌آموزان خود به ارمغان می‌آورند. با وجود اهمیت انکارناپذیر آموزش‌های ضمن خدمت، همچنان چالش‌های متعددی در زمینه طراحی، اجرا و ارزشیابی این برنامه‌ها در نظام آموزشی کشور وجود دارد. گاه این آموزش‌ها به‌دلیل تمرکز بر مباحث نظری و فاصله گرفتن از نیازهای عینی معلمان، نتوانسته‌اند تغییرات ملموسی در عملکرد کلاسی آنان ایجاد نمایند. به‌همین دلیل، صاحب‌نظران تأکید دارند که آموزش‌های ضمن خدمت باید با رویکردهای مشارکتی، عملی و مبتنی بر حل مسئله طراحی شوند و از روش‌های سنتی و یک‌سویه فاصله بگیرند. در این راستا، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین نظیر دوره‌های برخط انبوه‌رایگان (موک) و محیط‌های یادگیری مبتنی بر هوش مصنوعی، می‌تواند گام مؤثری در جهت کارآمدسازی این آموزش‌ها و پاسخگویی به نیازهای متنوع معلمان باشد.

۲. بیان مسئله

نظام آموزش و پرورش هر کشوری، مهم‌ترین نهاد برای توسعه سرمایه‌های انسانی و تحقق اهداف کلان اجتماعی-اقتصادی به‌شمار می‌رود. در این میان، معلمان به‌عنوان مهم‌ترین رکن این نظام، نقشی محوری در کیفیت خروجی‌های آموزشی و تربیتی دارند. با تحولات سریع علمی، فناورانه و فرهنگی در عصر حاضر، دانش و مهارت‌های معلمان به‌سرعت دچار فرسودگی شده و دیگر پاسخگوی نیازهای پیچیده و متنوع فراگیران نیست. این پدیده که به «فرسودگی شغلی» یا «کاهش شایستگی حرفه‌ای» تعبیر می‌شود، می‌تواند به افت کیفیت تدریس، کاهش انگیزه شغلی و در نهایت، کاهش بازدهی نظام آموزشی منجر شود. از این رو، طراحی و اجرای برنامه‌های نظام‌مند آموزش ضمن خدمت برای توانمندسازی مستمر معلمان، به‌عنوان یک ضرورت غیرقابل‌انکار در سیاست‌گذاری‌های آموزشی مطرح شده است. اگرچه در سطح نظری، همگان بر اهمیت آموزش‌های ضمن خدمت برای توسعه حرفه‌ای معلمان اتفاق نظر دارند، اما در عمل، این برنامه‌ها با چالش‌ها و ناکارآمدی‌های متعددی مواجه هستند. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که علی‌رغم صرف هزینه‌های قابل‌توجه و زمان‌بندی‌های گسترده برای برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، هنوز شواهد کافی مبنی بر تأثیر معنادار این دوره‌ها بر بهبود عملکرد واقعی معلمان در کلاس‌های درس و ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان وجود ندارد. به‌عبارت دیگر، بسیاری از دوره‌های ضمن خدمت، صرفاً به‌عنوان یک تکلیف اداری و تشریفاتی تلقی شده و نتوانسته‌اند تغییرات عمیق و پایدار در رفتار حرفه‌ای معلمان ایجاد کنند. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که بخش قابل‌توجهی از معلمان، محتوای این دوره‌ها را با نیازهای واقعی کلاس درس خود همسو نمی‌دانند و روش‌های ارائه آن‌ها را نیز غیرتعاملی و فاقد کاربرد عملی ارزیابی می‌کنند. در ایران، با عنایت به سیاست‌های کلان نظام آموزشی، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نیاز به تحقق اهداف سند چشم‌انداز، اهمیت بازنگری در نظام آموزش ضمن خدمت بیش از پیش احساس می‌شود. با توجه به جذب گسترده نیروهای جدید (به‌ویژه از مسیر ماده ۲۸ قانون)، ضرورت توانمندسازی این معلمان از طریق دوره‌های ضمن خدمت هدفمند و کارآمد، حیاتی‌تر از گذشته است. از سوی دیگر، پیشرفت‌های شگرف در حوزه فناوری‌های آموزشی و ظهور ابزارهای نوینی همچون هوش مصنوعی و یادگیری برخط، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای تحول در روش‌های ارائه آموزش‌های ضمن خدمت فراهم کرده‌اند. اما پرسش اساسی آن است که آیا ساختار فعلی آموزش‌های ضمن خدمت در ایران، توانایی بهره‌گیری از این فرصت‌ها و پاسخگویی به چالش‌های پیش‌رو را دارد؟

با توجه به مطالب فوق، مسئله اصلی این پژوهش را می‌توان به‌صورت زیر صورت‌بندی کرد: «آموزش‌های ضمن خدمت تا چه اندازه و از چه طریق‌هایی بر توسعه حرفه‌ای و افزایش اثربخشی کارکنان آموزش و پرورش تأثیرگذار هستند و چه عواملی باعث افزایش یا کاهش کارآمدی این دوره‌ها می‌شود؟» برای پاسخ به این مسئله، لازم است تا ابعاد مختلف آموزش‌های ضمن خدمت، از جمله محتوا، روش‌های اجرا، انگیزه‌های شرکت‌کنندگان و زمینه‌های سازمانی، به‌طور هم‌زمان مورد بررسی قرار گیرند و رابطه آن با شاخص‌های توسعه حرفه‌ای و اثربخشی معلمان تبیین شود. این پژوهش



درصد است تا با رویکردی علمی و مبتنی بر شواهد، به این پرسش ها پاسخ دهد و راهکارهایی عملیاتی برای بهبود نظام آموزش ضمن خدمت در ایران ارائه نماید.

۳. اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش حاضر از چند منظر قابل بررسی است. نخست آنکه، در عصر دانش محوری، مهمترین سرمایه هر نظام آموزشی، معلمان توانمند و بهروز هستند و هرگونه غفلت از توسعه حرفه ای آنان، می تواند به افت کیفی آموزش و هدررفت منابع انسانی و مالی منجر شود. پژوهش ها نشان داده اند که کیفیت معلم، مهمترین عامل درون مدرسه ای مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است و سرمایه گذاری در توسعه حرفه ای معلمان، بالاترین بازدهی را در بهبود نتایج یادگیری به همراه دارد. دوم آنکه، با توجه به تحولات شتابان علمی و فناورانه، شکاف بین دانش تولیدشده در مراکز علمی و دانش موجود در کلاس های درس روزبه روز در حال افزایش است و آموزش های ضمن خدمت می توانند پل ارتباطی میان این دو عرصه باشند. سوم آنکه، در نظام آموزش و پرورش ایران، با عنایت به سند تحول بنیادین و تأکید آن بر «نظام تربیت معلم کارآمد»، ضرورت بازنگری بنیادین در ساختار، محتوا و روش های آموزش ضمن خدمت، به عنوان یک اولویت راهبردی مطرح شده است. چهارم آنکه، جذب گسترده معلمان جدید از مسیرهای مختلف (به ویژه ماده ۲۸ قانون) و ضرورت توانمندسازی ایشان برای ورود مؤثر به محیط کلاس، اهمیت برنامه های ضمن خدمت را دوچندان ساخته است. همچنین، ظهور فناوری های نوین آموزشی نظیر هوش مصنوعی، فرصتی کم نظیر برای تحول در روش های ارائه آموزش های ضمن خدمت فراهم کرده است که نیازمند پژوهش و بسترسازی مناسب است. بنابراین، پژوهش حاضر می تواند با ارائه تصویری روشن از نقش و جایگاه آموزش های ضمن خدمت در توسعه حرفه ای معلمان، به سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزشی در طراحی دوره های کارآمدتر و هدفمندتر یاری رساند و از این رهگذر، به ارتقای کیفیت نظام آموزشی کشور کمک شایانی نماید.

۴. اهداف پژوهش

۴-۱. هدف کلی

بررسی نقش آموزش های ضمن خدمت در توسعه حرفه ای و افزایش اثربخشی کارکنان آموزش و پرورش.

۴-۲. اهداف ویژه

۱. تبیین مبانی نظری و مفاهیم مرتبط با آموزش های ضمن خدمت، توسعه حرفه ای و اثربخشی معلمان

۲. شناسایی شاخص ها و مؤلفه های آموزش های ضمن خدمت اثربخش در نظام آموزش و پرورش

۳. بررسی رابطه بین آموزش های ضمن خدمت و توسعه حرفه ای معلمان

۴. تحلیل تأثیر آموزش های ضمن خدمت بر ابعاد مختلف اثربخشی معلمان (دانش، مهارت، نگرش و عملکرد)

۵. شناسایی چالش ها و موانع مؤثر بر کارآمدی آموزش های ضمن خدمت در ایران

۶. ارائه راهکارهای عملی برای بهبود و ارتقای نظام آموزش ضمن خدمت معلمان

۵. سوالات پژوهش

۱. مبانی نظری و مفاهیم کلیدی مرتبط با آموزش های ضمن خدمت، توسعه حرفه ای و اثربخشی معلمان کدام اند؟

۲. ویژگی ها و مؤلفه های آموزش های ضمن خدمت اثربخش کدام اند و چگونه می توان آن ها را طراحی کرد؟

۳. رابطه بین شرکت در دوره های آموزش ضمن خدمت و توسعه حرفه ای معلمان چگونه است؟

۴. آموزش های ضمن خدمت چه تأثیری بر ابعاد مختلف اثربخشی معلمان (از جمله دانش تخصصی، مهارت های تدریس، خودکارآمدی، نگرش شغلی و عملکرد کلاسی) دارند؟

۵. مهم ترین چالش ها و موانع مؤثر بر اثربخشی آموزش های ضمن خدمت در نظام آموزش و پرورش ایران کدام اند؟

۶. راهکارهای عملی برای بهبود کیفیت و کارآمدی آموزش های ضمن خدمت معلمان در ایران چیست؟

۶. فرضیات پژوهش

۱. بین شرکت در دوره های آموزش ضمن خدمت و توسعه حرفه ای معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۲. آموزش های ضمن خدمت بر افزایش خودکارآمدی حرفه ای معلمان تأثیر مثبت و معناداری دارند.



۳. بین کیفیت دوره های آموزش ضمن خدمت (از نظر محتوا، روش و رویکرد) و میزان اثربخشی معلمان رابطه مستقیم وجود دارد.

۴. آموزش های ضمن خدمت مستمر و بافت محور، تأثیر بیشتری بر بهبود عملکرد کلاسی معلمان نسبت به دوره های مقطعی و عمومی دارند.

۵. چالش های ساختاری، محتوایی و روش شناختی، نقش تعدیل کننده در تأثیرگذاری آموزش های ضمن خدمت بر اثربخشی معلمان دارند.

۷. مبانی و ادبیات نظری

۷-۱. مفهوم آموزش ضمن خدمت

آموزش ضمن خدمت به مجموعه فعالیت های آموزشی نظام یافته و برنامه ریزی شده اطلاق می شود که پس از استخدام و در طول دوران خدمت کارکنان، با هدف ارتقای دانش، مهارت ها و نگرش های شغلی آنان طراحی و اجرا می شود. در نظام آموزش و پرورش، این آموزش ها نقشی کلیدی در به روز رسانی اطلاعات معلمان، آشنایی آنان با روش های نوین تدریس، و تطابق با تغییرات برنامه درسی ایفا می کنند. بر اساس پژوهش های انجام شده، آموزش ضمن خدمت زمانی اثربخش است که به صورت مستمر، مشارکتی و مبتنی بر نیازهای واقعی معلمان طراحی شود و صرفاً به انتقال اطلاعات نظری اکتفا نکند.

۷-۲. توسعه حرفه ای معلمان

توسعه حرفه ای معلمان، مفهومی گسترده تر از آموزش ضمن خدمت است و به فرایندی پویا، خودراهبر و مادام العمر اطلاق می شود که طی آن معلمان با استفاده از تجارب یادگیری متنوع (رسمی، غیررسمی و تجربی)، دانش، مهارت ها و نگرش های خود را به گونه ای ارتقاء می دهند که بتوانند به طور مؤثرتری به نیازهای یادگیری دانش آموزان پاسخ دهند. صاحب نظران معتقدند که توسعه حرفه ای پایدار، زمانی محقق می شود که معلمان خود در فرایند یادگیری خود نقش فعالی ایفا کرده و به جای دریافت کننده منفعل اطلاعات، به عنوان پژوهشگران کلاس درس و بازاندیشان حرفه ای عمل نمایند. این نگاه، رویکردهای سنتی و بالادستی توسعه حرفه ای را به چالش کشیده و بر لزوم طراحی برنامه های مدرسه بنیان، مشارکتی و مبتنی بر حل مسئله تأکید دارد.

۷-۳. اثربخشی معلمان



اثربخشی به توانایی فرد در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده با استفاده از منابع و امکانات موجود اطلاق می شود. اثربخشی معلمان را می توان توانایی آنان در ایجاد تغییرات مثبت و معنادار در دانش، نگرش و رفتار دانش آموزان تعریف کرد. پژوهش ها نشان داده اند که معلمان اثربخش، علاوه بر تسلط بر محتوای درسی، از مهارت های ارتباطی و مدیریت کلاس قوی برخوردارند، می توانند محیط یادگیری مثبت و حمایت گر ایجاد کنند و روش های تدریس خود را با توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان تنظیم کنند. خودکارآمدی معلمان (باور به توانایی خود در تأثیرگذاری بر یادگیری دانش آموزان حتی در شرایط دشوار) نیز به عنوان یکی از مؤلفه های کلیدی اثربخشی شناخته شده است که ارتباط تنگاتنگی با توسعه حرفه ای دارد.

۷-۴. نظریه های مرتبط با آموزش ضمن خدمت و توسعه حرفه ای

نظریه شناختی-اجتماعی بندورا: این نظریه بر نقش متقابل عوامل شخصی، رفتاری و محیطی در یادگیری و تغییر رفتار تأکید دارد. بر اساس این نظریه، خودکارآمدی (باور فرد به توانایی های خود) نقش مهمی در انگیزش و عملکرد افراد ایفا می کند. آموزش های ضمن خدمت می توانند با فراهم کردن تجارب موفقیت آمیز، الگوسازی و بازخورد مثبت، خودکارآمدی معلمان را تقویت کرده و از این طریق به بهبود اثربخشی آنان بینجامند.

نظریه یادگیری بزرگسالان (آندراگوژی): نولز، یادگیری بزرگسالان را دارای ویژگی های خاصی از جمله خودراهبری، تجربه محور، هدف گرایی و عمل گرایی می داند. بر این اساس، آموزش های ضمن خدمت معلمان باید برخلاف روش های سنتی آموزش کودکان، بر حل مسائل عملی، بهره گیری از تجارب شرکت کنندگان و مشارکت فعال آنان در فرایند یادگیری تأکید داشته باشند.

نظریه یادگیری موقعیت مند: بر اساس این نظریه، یادگیری در بستر موقعیت ها و فعالیت های واقعی اجتماعی رخ می دهد و جداسازی یادگیری از عمل، آن را از کارآمدی می اندازد. توسعه حرفه ای مؤثر معلمان، باید در بستر موقعیت های واقعی کلاس درس و با مشارکت همکاران (یادگیری مشارکتی) طراحی شود تا آموخته ها قابلیت انتقال به محیط کار را داشته باشند.

نظریه چهارگانه توسعه حرفه ای مؤثر: در پژوهشی جامع، سیمز و همکاران (۲۰۲۴) با مرور نظام مند و فراتحلیل ۱۰۴ برنامه توسعه حرفه ای، نظریه ای ارائه کردند که بر اساس آن، یک برنامه توسعه حرفه ای مؤثر باید چهار هدف اساسی را محقق سازد تا بتواند منجر به بهبود پایدار در تدریس شود: (۱) ارائه بینش عمیق به معلمان درباره چگونگی وقوع یادگیری در کلاس، (۲) ایجاد انگیزه برای تغییر در رویه های تدریس، (۳) آموزش تکنیک های مشخص و عملی که معلمان بتوانند در کلاس به کار گیرند، و (۴) فراهم کردن فرصت های کافی برای تمرین و به کارگیری آموخته ها در محیط واقعی.

۸-۱. پیشینه داخلی

در ایران، مطالعات متعددی به بررسی ابعاد مختلف آموزش های ضمن خدمت و تأثیر آن بر توسعه حرفه های معلمان پرداخته اند. در پژوهشی، فتحی آذر، عدیب و گلپرور (۱۳۹۵) با رویکرد پدیدارشناختی به بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت دوره های آموزش ضمن خدمت معلمان پرداختند و دریافتند که عواملی همچون محتوای کاربردی، ارتباط با نیازهای شغلی، مشارکت فعال معلمان در طراحی دوره ها، و استفاده از روش های تعاملی، نقش کلیدی در کیفیت این دوره ها ایفا می کنند.

میلانی (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «کنش پژوهی به مثابه فعالیت حرفه ای معلمان»، نشان داد که رویکردهای پژوهشی و تأملی نظیر کنش پژوهی، می توانند ابزاری قدرتمند برای توسعه بینش ها و تغییرات تربیتی در مدارس باشند و معلمان را به جای مصرف کننده منفعل دانش، به تولیدکننده دانش حرفه ای تبدیل کنند. در پژوهش دیگری که به طراحی الگوی آموزش ضمن خدمت مبتنی بر موک (دوره برخط انبوم رایگان) برای توسعه حرفه های معلمان پرداخته است، پژوهشگران با استفاده از نظریه دادمبنیاد به این نتیجه رسیدند که همافزایی ارکان توسعه حرفه های معلمان با الهام از فناوریهای نوین، به مثابه پدیده محوری عمل میکند و عواملی چون نیازهای جدید حرفه ای، ارتقا سواد رسانهای و وجود شبکه ارتباطی سازنده میان معلمان، از جمله شرایط علی مؤثر بر اثربخشی این آموزش ها هستند. همچنین، پژوهشی با هدف شناسایی چالش ها و راهبردهای ارتقای برنامه آمادهمسازی نو معلمان مهارت آموز ماده ۲۸ در ایران نشان داد که آموزش های ضمن خدمت برای این گروه از معلمان، با چالش های متعددی از جمله محتوای نظری و غیرکاربردی، عدم تناسب با نیازهای واقعی کلاس، و کمبود زمان کافی برای تمرین و کاربست آموخته ها مواجه است.

۸-۲. پیشینه خارجی

در سطح بین المللی، پژوهش های گسترده ای پیرامون اثربخشی آموزش های ضمن خدمت و توسعه حرفه ای معلمان انجام شده است. بندورا (۱۹۷۷، ۱۹۸۶، ۱۹۹۷) در نظریه شناختی-اجتماعی خود، مفهوم خودکارآمدی را به عنوان یکی از مهمترین سازه های تأثیرگذار بر عملکرد معلمان معرفی کرد و نشان داد که باورهای خودکارآمدی می توانند تلاش، پشتکار و موفقیت افراد را در موقعیت های چالش برانگیز پیش بینی کنند. مطالعات بعدی نیز نشان دادند که توسعه حرفه ای مؤثر، یکی از راه های کلیدی برای تقویت خودکارآمدی معلمان است.

دارلینگ-هامنوند و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه ای تأثیر آموزش های ضمن خدمت بر کیفیت تدریس را بررسی کردند و دریافتند که برنامه های توسعه حرفه ای جامع و مستمر، تأثیر مثبت و قابل توجهی بر عملکرد معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارند. همچنین پژوهش بابی و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد که آموزش های ضمن خدمت بر خط در سال های اخیر، با وجود چالش هایی مانند کاهش تعامل چهره به چهره، در صورت طراحی مبتنی بر شواهد و مشارکتی، می توانند اثربخشی قابل قبولی داشته باشند.

سیمز و همکاران (۲۰۲۴) در یک فراتحلیل جامع با بررسی ۱۰۴ برنامه توسعه حرفه ای که با روش آزمایشی ارزیابی شده بودند، نظریه جدیدی برای طراحی برنامه های مؤثر ارائه کردند. یافته های آن ها نشان داد که برنامه هایی که بر ارائه بینش عمیق (درک بهتر از فرایند یادگیری)، ایجاد انگیزه برای تغییر، آموزش تکنیک های عملی و فراهم کردن فرصت تمرین تأکید دارند، بیشترین تأثیر را بر بهبود عملکرد معلمان و نتایج یادگیری دانش آموزان دارند.

همچنین پژوهشگران خارجی به بررسی چالش های توسعه حرفه ای معلمان پرداخته اند. به عنوان مثال، پژوهش ها نشان داده اند که یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی برنامه های توسعه حرفه ای، رویکرد مقطعی و غیرمستمر آن هاست. همچنین فاصله بین تئوری و عمل، عدم توجه به بافت مدرسه، و فقدان حمایت سازمانی و انگیزه کافی در معلمان، از دیگر موانع مؤثر بر اثربخشی این برنامه ها شناسایی شده اند.

۹. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی از نوع مطالعات کتابخانه ای و مروری نظام مند است. در این پژوهش، برای جمع آوری داده ها از روش اسنادی و کتابخانه ای استفاده شده است. بدین منظور، منابع مرتبط شامل کتاب های تخصصی، مقالات علمی-پژوهشی داخلی و خارجی، پایان نامه های دانشگاهی، گزارش های پژوهشی و اسناد بالادستی آموزش و پرورش (نظیر سند تحول بنیادین) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند. برای جستجوی منابع، از پایگاه های داده معتبر فارسی (نورمگز، مگیران، علم نت، سیویلیکا) و خارجی (ساینس دایرکت، اسپرینگر، تیلور و فرانسیس، اریک، و گوگل اسکالر) با استفاده از کلیدواژه های «آموزش ضمن خدمت»، «توسعه حرفه ای»، «معلمان»، «اثربخشی» و «توانمندسازی» و معادل های انگلیسی آن ها استفاده شده است. دامنه زمانی جستجو برای مقالات خارجی عمده بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ و برای منابع داخلی بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده است تا از بروز بودن یافته ها اطمینان حاصل شود. در فرایند تحلیل، ابتدا منابع گردآوری شده بر اساس ارتباط موضوعی، اعتبار علمی و تاریخ انتشار غربال شده و سپس اطلاعات مورد نیاز استخراج، طبقه بندی و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد واکاوی قرار گرفته اند. در نهایت، با تلفیق و ترکیب یافته های منابع مختلف، به پاسخگویی به سوالات پژوهش و ارائه نتیجه گیری پرداخته شده است.

۱۰. یافته های پژوهش

یافته های حاصل از بررسی منابع نشان می دهد که آموزش های ضمن خدمت از ابعاد گوناگونی بر توسعه حرفه ای و اثربخشی معلمان تأثیر می گذارند. این تأثیرات را می توان در چهار حوزه اصلی دسته بندی کرد:

۱. تأثیر بر دانش و آگاهی حرفه ای: آموزش های ضمن خدمت با ارائه محتوای به روز و تخصصی، باعث ارتقای دانش محتوایی، دانش تربیتی-محتوایی و دانش عمومی تربیتی معلمان می شوند. این ارتقای دانش، زیربنای تصمیم گیری های آگاهانه تر معلمان در کلاس درس را فراهم می آورد و به بهبود کیفیت تدریس می انجامد. شولمن (۱۹۸۶) نیز بر اهمیت این سه نوع دانش در شکل دهی به عملکرد معلمان تأکید داشته است.

۲. تأثیر بر مهارت های عملی و عملکرد کلاسی: دوره هایی که بر جنبه های عملی و کاربردی آموخته ها تأکید دارند و فرصت تمرین و دریافت بازخورد را برای معلمان فراهم می کنند، تأثیر بیشتری بر بهبود مهارت های تدریس، مدیریت کلاس و طراحی فعالیت های یادگیری دارند. همچنین آموزش های ضمن خدمت می توانند به معلمان در به کارگیری روش های نوین تدریس، فناوری های آموزشی و رویکردهای ارزشیابی پیشرفته کمک کنند.

۳. تأثیر بر نگرش و انگیزه شغلی: شرکت در دوره های ضمن خدمت با ایجاد حس شایستگی و رشد حرفه ای، می تواند انگیزه شغلی، تعهد سازمانی و رضایت شغلی معلمان را افزایش دهد. همچنین این دوره ها با تقویت خودکارآمدی معلمان، به آنان کمک می کنند تا با اعتماد به نفس بیشتری با چالش های کلاس درس مواجه شوند. به عبارت دیگر، معلمانی که خود را توانمند و به روز می دانند، از انگیزه و اشتیاق بیشتری برای تدریس برخوردارند.

۴. تأثیر بر شبکه سازی و یادگیری مشارکتی: یکی از کارکردهای مهم آموزش های ضمن خدمت، ایجاد بستری برای تعامل و تبادل تجربه میان معلمان است. این تعاملات حرفه ای، علاوه بر کاهش انزوای شغلی، زمینه ساز یادگیری از همکاران، شکل گیری جوامع یادگیری حرفه ای و توسعه فرهنگ اشتراک گذاری دانش در سازمان می شود.

با این حال، یافته ها نشان می دهد که اثربخشی آموزش های ضمن خدمت، مشروط به رعایت ویژگی های خاصی در طراحی و اجرای آن هاست. مهمترین این ویژگی ها عبارتند از: مستمر بودن (نه مقطعی)، بافت محوری (مبتنی بر نیازها و شرایط واقعی مدرسه)، مشارکتی بودن (با نقش فعال معلمان)، عملی بودن (با تأکید بر کاربست و تمرین)، و مبتنی بر شواهد بودن (طراحی بر اساس یافته های پژوهشی معتبر).

در مقابل، چالش هایی نیز در مسیر اثربخشی آموزش های ضمن خدمت شناسایی شده که مهمترین آن ها عبارتند از: عدم تناسب محتوا با نیازهای واقعی معلمان، روش های سنتی و یکسویه ارائه، کمبود زمان و منابع کافی، عدم انگیزه کافی در شرکت کنندگان، عدم حمایت سازمانی و پیگیری پس از دوره، و فاصله بین تئوری و عمل. این چالش ها، در صورت عدم توجه، می توانند تأثیرات مثبت آموزش های ضمن خدمت را به شدت کاهش دهند و حتی آن را به یک فرایند تشریفاتی و بی نتیجه تبدیل کنند.

۱۱. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش های ضمن خدمت در توسعه حرفه ای و افزایش اثربخشی کارکنان آموزش و پرورش انجام شد. یافته های این پژوهش به روشنی نشان می دهد که آموزش های ضمن خدمت، به شرط طراحی و اجرای اثربخش، می توانند نقش بسیار مهمی در ارتقای شایستگی های حرفه ای معلمان ایفا کنند. این آموزش ها از طریق ارتقای دانش تخصصی، تقویت مهارت های عملی، بهبود نگرش های شغلی و تسهیل یادگیری مشارکتی، زمینه ساز توسعه حرفه ای پایدار معلمان و در نتیجه، افزایش کیفیت تدریس و بهبود نتایج یادگیری دانش آموزان می شوند. با این حال، نتایج پژوهش نشان می دهد که صرف برگزاری دوره های ضمن خدمت، تضمین کننده اثربخشی نیست و بسیاری از برنامه های فعلی به دلیل عدم توجه به نیازهای واقعی معلمان، رویکردهای سنتی و فاصله گرفتن از بافت مدرسه، نتوانسته اند تأثیر مطلوبی بر عملکرد معلمان داشته باشند. بر این اساس، بازنگری بنیادین در نظام آموزش ضمن خدمت با محوریت ویژگی هایی چون مستمر بودن، بافت محوری، مشارکت جویی، عمل گرایی و بهره گیری از فناوری های نوین، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. همچنین یافته ها بر اهمیت رویکردهای نوین همچون یادگیری برخط، دوره های موک، محیط های یادگیری مبتنی بر هوش مصنوعی و جوامع یادگیری حرفه ای در ارتقای کارآمدی آموزش های ضمن خدمت تأکید دارند. در این راستا، سامانه یکپارچه یادگیری (ال تی ام اس) در آموزش و پرورش ایران می تواند بستر مناسبی برای تحقق این تحول باشد، اما صرفاً ایجاد زیرساخت فنی کافی نیست و نیازمند طراحی محتوای باکیفیت، توانمندسازی مدرسان و ایجاد انگیزه در معلمان برای یادگیری مستمر است. در نهایت، با توجه به اهمیت محوری معلمان در تحقق اهداف نظام آموزشی و الزامات سند تحول بنیادین، سرمایه گذاری هدفمند و مستمر در نظام آموزش ضمن خدمت، باید به عنوان یک اولویت راهبردی در سیاست گذاری های آموزشی کشور مدنظر قرار گیرد. این پژوهش، با ارائه تصویری جامع از نقش و جایگاه آموزش های ضمن خدمت و شناسایی مؤلفه های اثربخش آن، می تواند راهنمای مناسبی برای برنامه ریزان و سیاست گذاران نظام آموزشی در مسیر تحول و بهبود کیفیت آموزش های ضمن خدمت باشد.



منابع

منابع فارسی

۱. فتحی آذر، ا.، عذیب، ی.، و گل پرور، ف. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی عوامل مؤثر و انگیزشی در کیفیت دوره های آموزش ضمن خدمت معلمان. پژوهش در یادگیری و آموزش مجازی، ۳(۱۲)، ۴۷-۵۶.

۲. میلانی، پ. (۱۳۹۵). کنش پژوهی به مثابه فعالیت حرفه ای معلمان برای توسعه بینش ها، کنش ها و تغییر تربیتی. نظریه و عمل در تربیت معلمان، (۲)، ۱۴۱-۱۵۴.



۳. بذرافشان مقدم، م.، شوقی، م.، و رحمان خواه، ر. (۱۳۹۴). جایگاه نظارت و راهنمایی آموزشی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. مبانی تعلیم و تربیت، ۵(۲)، ۴۳-۲۳.

۴. میرمحمدی، س. م.، نارنجی ثانی، ف.، و اسدی، س. (۱۳۹۸). ارزیابی صلاحیت های حرفه ای معلمان از دیدگاه مدیران دوره ابتدایی. مدیریت مدرسه، ۷(۳)، ۹۱-۱۱۰.

۵. هجری، ا. (۱۴۰۳). کارآموزی در برنامه تربیت مهارتی طرح اشتغال ماده ۲۸ آموزش و پرورش؛ چالش ها و راهبردها. توسعه حرفه ای معلم، ۷(۴)، ۵۷-۷۲.

۶. اسلامی، ف.، موساپور، ن.، و صادقی، ا. (۱۴۰۲). بررسی تجربه زیسته کارورزان برنامه تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان قم. مطالعات برنامه درسی، ۱۷(۶۷)، ۱۳-۳۴.

۷. کریمی، ف.، خسروی، ع.، و زمانی، ب. (۱۴۰۳). طراحی الگوی آموزش ضمن خدمت مبتنی بر موک جهت توسعه حرفه ای معلمان در سازمان: رویکرد نظریه داده بنیاد. نوآوری و ارزش آفرینی، ۲۶(۲)، ۱-۲۰.

منابع انگلیسی

۸. Bandura, A. (1977). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *Psychological Review*, 84(2), 191-215.

۹. Bandura, A. (1997). *Self-Efficacy: The exercise of control*. New York: W.H. Freeman and Company.

۱۰. Darling-Hammond, L., Holtzman, D. J., Gatlin, S. J., & Heilig, J. V. (2005). Does teacher preparation matter? Evidence about teacher certification, Teach for America, and teacher effectiveness. *Education Policy Analysis Archives*, 13, 1-48.



۱۱. Sims, S., Fletcher-Wood, H., O'Mara-Eves, A., Cottingham, S., Stansfield, C., Van Herwegen, J., & Anders, J. (2024). Effective teacher professional development: New theory and a meta-analytic test. *Review of Educational Research*. Advance online publication.

۱۲. Bates, M. S., Phalen, L., & Moran, C. (2016). Online professional development: A primer. *Phi Delta Kappan*, 97(5), 70-73.

۱۳. Borko, H. (2004). Professional development and teacher learning: Mapping the terrain. *Educational Researcher*, 33(8), 3-15.

۱۴. Shulman, L. S. (1986). Those who understand: Knowledge growth in teaching. *Educational Researcher*, 15(2), 4-14.

۱۵. Kennedy, M. M. (2016). How does professional development improve teaching? *Review of Educational Research*, 86(4), 945-980.